

ارائه الگوی مطلوب برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان با توجه به رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی

جمهور طرفی^۱، فائزه ناطقی^۲، مهناز جلاوندی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی مطلوب برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان با توجه به رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی است. پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها کیفی است. روش پژوهش کیفی به روش دلفی انجام شده است. شاخص‌های هدف، محتوا، راهبردهای یادگیری و ارزشیابی سه رویکرد مورد نظر استخراج و الگوی ارائه شده اعتبار یابی شده است. جامعه آماری این پژوهش را استادان دوره‌های ضمن خدمت معلمان، متخصصان در حوزه برنامه درسی، روانشناسی یادگیری استان خوزستان تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری هدفمند بود که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت است و تعداد ۱۰ نفر به عنوان نمونه در این پژوهش مشارکت داشتند. داده‌های این پژوهش به وسیله تحلیل محتوای کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد که عناصر و مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی شامل اهداف (شناختی، نگرشی و مهارتی)، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی است. برای اعتبار یابی الگو از روش دلفی استفاده شد و اعتبار مدل مناسب به دست آمده است. دوره‌های آموزش ضمن خدمت یکی از دوره‌های آموزشی مهم و تأثیر گذار در رشد حرفه‌ای و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان است. به گونه‌ای که این دوره‌ها اگر منطبق با نیازهای اساسی یادگیری معلمان باشند می‌توانند بر فرآیند کاری معلمان بسیار تأثیرگذار باشند.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، آموزش ضمن خدمت، پداگوژی، آندراگوژی، هیوتاگوژی

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک jomhoort@gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک fn1345@gmail.com

۳- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک m-jalalvandi@iau-arak.ac.ir

مقدمه

آموزش؛ یک وظیفه اساسی در سازمان‌ها و یک فرآیند مداوم و همیشگی است و موقت و تمام شدنی نیست. در عصر حاضر که از آن به عنوان «عصر آموزش» یاد می‌کنند، آموزش نوعی سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود که به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتهی می‌گردد (معتمدی، موحدی، مرادی، ۱۳۹۲). نیروی انسانی سازمان همواره در معرض دانش و مهارت‌های نو قرار می‌گیرد. فراگیری و کسب این‌گونه دانش‌ها و مهارت‌ها بر کیفیت کارکرد نیروی انسانی بسیار مؤثر است. سازمان‌ها هم باید نیروی انسانی توانا، با دانش و صاحب مهارت در اختیار داشته باشند و هم با تغییر و تحولات روز افزون همگام شوند. از طریق آموزش سازمان‌ها سرمایه انسانی توانمند، دانشمند و ماهر به کار می‌گیرند و هم می‌توانند از تغییرات سریع به عنوان عاملی برای پیشرفت خود بهره ببرند و بدین خاطر اهمیت راهبردی آموزش در بقاء و توسعه سازمان نمایان شده است (آتیس و کاتالوگلو، ۲۰۰۷). آموزش، باعث توسعه منابع انسانی و افزایش بهره‌وری در سازمان می‌شود (مقدم، چرابین، نوددهی و اکبری، ۱۳۹۸). آموزش ضمن خدمت، با هدف به روز شدن توانایی‌ها و کمک به انجام تغییرات در محیط و آگاه ساختن معلمان و مربیان درباره تغییرات و بهبود فهمشان برای کمک به آن‌ها برای کسب دانش، مهارت و نگرش لازم، برای این‌که در این فرآیندها مؤثر و مفید باشند ارائه می‌شود (کوکو، ۲۰۰۵). تدوین دوره‌های آموزشی مناسب باعث ارتقای اثربخشی و کارایی سازمان می‌شود (سلامت اهوازی، حسین پور،

شاهی، ۱۳۹۸). با توجه به یافته‌های فلسفه تربیت و نیز با توجه به معنای تربیت در مطالعات نظری، می‌توان نقش مربی را در ادامه نقش تربیتی انبیاء و اولیاء الهی، اسوه‌ای امین، راهنمایی بصیر و عالمی توانا دانست که وظیفه هدایت، روشنگری، برنامه‌ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن، و ترغیب متریبان برای به چالش کشاندن موقعیت‌های کنونی جهت بسط و توسعه ظرفیت‌های وجودی را برای کسب شایستگی و دستیابی به حیات طیبه بر عهده دارد (فانی، ۱۳۸۶). بر اساس تغییرات زیاد و گسترده و پیچیدگی‌های مأموریت‌های شغل معلمی، معلمان پیوسته باید دانش و مهارت‌های شغلی خود را بهبود بخشند (هاوری^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). در کشور ایران دوره‌های معلمی به دو بخش عمده قبل از خدمت و ضمن خدمت تقسیم می‌شوند. دوره‌های قبل از خدمت در مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌ها برگزار می‌شود. دوره‌های ضمن خدمت در دو قسمت دوره‌های ضمن خدمت بلند مدت و کوتاه مدت برگزار می‌شود (سمیعی، ۱۳۹۰).

آموزش ضمن خدمت که شامل توسعه دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای در جهت بهبود یادگیری دانش آموزان می‌شود (گاسکی، ۲۰۰۰: ۱۷-۱۶)؛ به بازسازی و بهبود دانش و اطلاعات و مهارت‌های معلمان اشاره دارد (مه‌دوی و فیاض، ۱۳۹۳). اهداف آموزش ضمن خدمت شامل: مهیا کردن خطوط راهنما به شیوه‌ای که معلمان بتوانند نیازهای توسعه حرفه‌ای خویش را برآورده سازند؛ تمرکز توسعه حرفه‌ای بر بهبود آموزش و موفقیت تحصیلی دانش آموزان؛ برقراری ارتباط توسعه حرفه‌ای به طور مستقیم با مدارس و اهداف معلمان و افزایش ظرفیت مدارس و

1. Training

2. Ates & Cataluglo

3- Conco

4- Havery

5- Guskey

آندراگوژی، یادگیری از آموزش مهم‌تر است (بویندرا و مورالز،^۶ ۲۰۰۳). رویکردهای آموزشی پداگوژی و حتی آندراگوژی به تنهایی برای رشد و آموزش ضمن خدمت کافی نیست و خود راهبری معلمان در توسعه حرفه‌ای مورد نیاز است؛ رویکردی که در آن معلمان چگونگی یادگیری را یاد بگیرند (پیترز،^۷ ۲۰۰۱). هس و کنیون^۸ (۲۰۰۰) محیط یادگیری هیوتاگوژی ظرفیت فراگیران را تقویت و یادگیری را تسهیل می‌کند (هس و کنیون، ۲۰۰۰). در آموزش ضمن خدمت بر اساس رویکرد هیوتاگوژی، انتخاب محتوای یادگیری و روش سنجش از طریق مذاکره است که با این شیوه، محتوای یادگیری با نیازهای یادگیرنده هماهنگ و ریشه در نیازهای یادگیرنده دارد (هیس و کنیون، ۲۰۰۷). آموزش ضمن خدمت در این رویکرد بر مفاهیم درک پیچیدگی و داشتن تفکر سیستمی، قابلیت یادگیری، انگیزش درونی و یادگیری عمیق تأکید دارد. از نگاه این رویکرد در دنیای پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی، یادگیرندگان باید توانمندی درک روابط و تعامل‌های پیچیده بین پدیده‌ها را داشته باشند؛ با آمادگی برای کسب تجربه‌های جدید، تلاش کنند تا بتوانند توانمندی‌های خود را توسعه دهند و گام‌های رشدی خود را برنامه ریزی کنند و در موقعیت‌های نامشابه و جدید، تصمیمات مقتضی و اقدامات مؤثرتر اتخاذ نمایند (شفیعی، ۱۳۹۷). برنامه درسی، به معنای راهی که باید طی شود گرفته شده است. این تصور بر یک مسیر یا برخی موانع یا وظایفی دلالت می‌کند که هر فرد بر آن‌ها غلبه پیدا می‌کند. یعنی مقوله‌هایی

نواحی آموزش و پرورش برای مشاهده نیازهای یادگیری متنوع دانش آموزان هستند (ماتسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). آموزش ضمن خدمت عبارت است از فعالیت‌های نظام‌داری که برای بهبود و ارتقای مهارت‌ها، دانش، کارآمدی و سایر مشخصه‌های فرد به عنوان یک معلم طراحی و اجرا می‌شود. هدف این آموزش‌ها علاوه بر بهبود کارآمدی، کسب نگرش‌ها و هنجارهای مطلوب در گرایش به حضور و پیگیری برنامه‌های ضمن خدمت است (فرزانه، کریمی و عزتی، ۱۳۹۴). آموزش ضمن خدمت باعث بهبود عملکرد مدارس و توسعه یادگیری دانش آموزان می‌شود (ژانگ،^۲ ۲۰۱۰). آموزش ضمن خدمت در صورتی که بر اساس نیازهای آموزشی و یادگیری آن‌ها استوار باشد مفید و موثر خواهد بود (هاروی و همکاران، ۲۰۱۹). در اسناد بالادستی مانند سند تحول آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، سند راهبردی دانشگاه فرهنگیان در افق چشم انداز ۱۴۰۴ (۱۳۹۵) بر توسعه حرفه‌ای مستمر معلمان تأکید شده است. رویکردهای آموزشی پداگوژی^۳، آندراگوژی^۴ و هیوتاگوژی^۵ در آموزش ضمن خدمت معلمان به عنوان مسئله اصلی این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

در رویکرد پداگوژی، نیازسنجی و برنامه ریزی با توجه به نظر کارشناسان و متخصصان در قالب محتوای مدون و از قبل تعیین شده انجام می‌شود و مدرس محوری و روش تدریس سخنرانی از ویژگی‌های بارز آن است (کرمی، آهنچیان و عباسی، ۱۳۹۲). در رویکرد

1- Mattsson

2- Zhang

3- Pedagogy

4- Andragogy

5- Heutagogy

6- Buendia & Morales

7- Peters

8- Hase & Kenyon

که دارای آغاز و انجام است و باید هدف‌هایی از آن‌ها منتج شود (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۸). آکر^۱ (۲۰۰۶) علاوه بر عناصر فوق، عنصر منطق و چرایی را به عناصر برنامه درسی اضافه کرد. اسکیرو^۲ (۲۰۰۸) فعالیت‌های یادگیری را از عناصر طراحی برنامه درسی می‌داند و برنامه درسی را شامل شش مؤلفه هدف، تدریس و یادگیری، ماهیت دانش و فعالیت‌های یادگیری و ارزشیابی می‌داند. برنامه درسی به عنوان کلیه تجارب، مطالعات، بحث‌ها، فعالیت گروهی و فردی و سایر اعمالی است که شاگرد تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

اهمیت و ضرورت این پژوهش بدین دلیل است که برنامه‌های آموزش ضمن خدمت معلمان وقتی مؤثر است که بر اساس نیازهای واقعی کارکنان باشد و آن‌ها داوطلبانه در آموزش شرکت نمایند. نوع نیازها و انتظارات شرکت‌کنندگان، عامل مهمی در تعیین اهداف آموزشی، محتوای درسی دوره‌ها، روش‌های آموزشی، نحوه اجرای برنامه و همچنین نحوه ارزشیابی آموزشی است که باید به آن توجه شود. مسئولان آموزش و پرورش با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توانند جهت‌گیری فرآیند آموزش را به سمت نگرشی نظام‌مند سوق دهند. با توجه به ضرورت فناوری‌های پیچیده، تغییرات مشاغل و سازمان‌های یادگیرنده و تلفیق آن با کارکردهای راهبردی، اگر به درستی و شایستگی برنامه‌ریزی و اجرا شوند، می‌تواند سبب بهره‌وری کارکنان، اصلاح امور مدیریت سازمان و علاوه بر آن، موجب فراهم نمودن بازده اقتصادی بالایی بشود و عاملی مهم در اثربخشی سازمان‌های تولیدی و

خدماتی محسوب گردد. (علی محمدی و همکاران، ۱۳۹۸) توانمندسازی معلمان را شامل توانمند سازی در محتوای برنامه درسی و آموزشی، سواد دیجیتالی، اخلاق و بصیرت دینی، توسعه دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلم عنوان کرده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش (شفیعی، ۱۳۹۷) اجرای برنامه درسی سنتی پاسخگوی نیازهای جدید نظام‌های اجتماعی- اقتصادی کنونی نیست و لازم است که به رویکردهای نوین برنامه درسی توجه شود. در این راستا فراگیران باید توانمندی درک پیچیدگی‌های جامعه را داشته باشند و بتوانند فرآیندهای یادگیری و رشد علمی و فکری خود را مدیریت کنند. برنامه درسی خود تعیین‌گری، بر برنامه‌های انعطاف‌پذیر تأکید دارد که مهارت‌های اکتشاف دانش و خود تعیین‌گری دانشجویان در یادگیری را تقویت کند. نتایج پژوهش فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهند که عوامل برانگیزاننده و مؤثر در ارتقای کیفیت برنامه‌های ضمن خدمت معلمان را می‌توان در چهار درون‌مایه اصلی انگیزش درونی، شایستگی مدرس، ویژگی‌های موضوع و مشوق‌های محیطی خلاصه کرد. تناسب برنامه‌ها با انتظارات و نیازمندی‌های معلمان به عنوان مخاطبان اصلی دوره‌های ضمن خدمت موجب بهبود کارایی کلی چنین برنامه‌هایی خواهد شد. کیسادا پالاریس^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی عنوان کرد که عوامل انگیزشی (حس مسئولیت‌پذیری (تلاش فردی)، خوداثربخشی، نگرش افراد نسبت به کار)، بافت اجتماعی آموزش (هنجارهای ذهنی، حمایت همکاران)، عوامل نگرشی (نگرش نسبت به انتقال) و عوامل محیط کار (حمایت سرپرستان) بر اثربخشی آموزش ضمن خدمت

1 - Akker

2- Schiro

3. Quesada - Pallares

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی و با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها کیفی است. روش پژوهش در بخش کیفی بر اساس رویکرد تحلیل بافت انگارانه و به روش دلفی است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه ساختمند و چک لیست برای اعتبار یابی الگو است. جامعه آماری پژوهش را اساتید دوره‌های ضمن خدمت معلمان، متخصصان در حوزه برنامه درسی، روانشناسی یادگیری استان خوزستان تشکیل می‌دهند. به دلیل نیاز به منابع اطلاعاتی کلیدی در این حوزه از روش نمونه گیری گلوله برفی (پاتون، ۲۰۰۲) استفاده و نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که به اشباع نظری در اطلاعات گردآوری شده دست پیدا کردیم. اشباع نظری به عنوان مهم‌ترین شاخص در مشخص کردن تعداد نمونه در مطالعات کیفی مطرح است (هنک، کیزر و مارچونی، ۲۰۱۶). برای طراحی الگو و اعتبار سنجی الگو هم از ده نفر از متخصصان این حوزه به عنوان نمونه آماری نظر خواهی شده است. در جدول زیر مشخصات نمونه آماری آورده شده است.

معلمان تاثیر مثبتی دارد. چاکو (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان داد ارتقای حرفه‌ای یک معلم تازه کار به یک یادگیرنده حرفه‌ای از طریق مشارکت در توسعه حرفه‌ای بر اساس رویکرد هیوتاگوژی اتفاق می‌افتد.

از نقاط ضعف اهداف برنامه‌های درسی ضمن خدمت، می‌توان بی‌توجهی به "آشنایی با زبان بین المللی"، "ایجاد توان مدارا و تحمل عقاید مختلف و خرده فرهنگ‌ها در سطح ملی و جهانی"، "کسب توان تهیه برنامه درسی با محتوای الکترونیکی"، "ایجاد توان مشارکت در شکل‌ها و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای"، "ایجاد توان کارآفرینی در معلمان"، "توان تشخیص و بازشناسی ارزش‌ها و آشنایی با مهارت‌های راه‌های مواجهه با خلاهای روحی و معنوی" ذکر نمود (فارسی علی آبادی، ۱۳۹۶).

معلمان همواره در معرض دانش و مهارت‌های نو قرار می‌گیرند که فراگیری و کسب این‌گونه دانش‌ها و مهارت‌ها، بر کیفیت عملکرد نیروی انسانی بسیار مؤثر است. نو شدن دانش و تغییرات روزافزون در این عرصه، امکان راکد بودن و اکتفا به دانش پیشین را از سازمان‌ها و عوامل انسانی آن‌ها سلب می‌کند و واکنش نشان دادن در برابر تغییرات را به امری لازم و ضروری بدل می‌کند. در این پژوهش تلاش می‌شود به این سؤال بنیادین که «الگوی مطلوب در زمینه توجه به رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان چیست؟» پاسخ داده شود.

سؤال پژوهش

الگوی مطلوب در زمینه توجه به رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان چیست؟

¹ -Patton

² -Data Saturation

³ -Hennink, Kaiser, & Marconi

جدول ۱- مشارکت کنندگان در پژوهش

دانشیار برنامه ریزی درسی	معلم شرکت کننده در دوره با سابقه بالای ۱۵ سال
استادیار علوم تربیتی	معلم شرکت کننده در دوره با سابقه بالای ۲۰ سال
دانشیار برنامه ریزی درسی	معلم شرکت کننده در دوره با سابقه بالای ۱۳ سال
استادیار برنامه ریزی آموزشی و درسی	استاد دوره‌های ضمن خدمت
متخصص برنامه ریزی درسی با سابقه کاری بالای ۱۰ سال	استاد دوره های ضمن خدمت

شاخص‌های هدف، محتوا، راهبردهای یادگیری و ارزشیابی سه رویکرد مورد نظر استخراج و الگوی ارائه شده اعتبار یابی شده است. روایی و پایایی مصاحبه‌ها از طریق بررسی داده‌ها و ثبت و ضبط جزئیات پژوهش، انتخاب نمونه‌ای هدفمند و بر اساس تشریح انبوه و غنی داده‌ها یا پرمایگی اطلاعات و طولانی کردن فرایند مصاحبه‌ها برای فهم عمیق موضوع، به دست آمده است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تحلیل اسناد و مدارک به صورت تحلیل محتوا به روش کدگذاری استقرایی و تحلیل مضمون (کرسول و پات، ۲۰۱۷)، تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش عناصر و مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی را شامل اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی می‌داند. به عبارت دیگر در این الگو مجموعه‌ای از عناصر در ارتباط با هم در یک نظام ساختار مفهومی قرار گرفته و کلی را تشکیل می‌دهند که راهنمای عمل قرار خواهد گرفت. در ارتباط با جایگاه مطلوب در

زمینه رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان از نظر متخصصان و معلمان با تجربه به کمک مصاحبه استفاده شده است. مقصود از الگوی برنامه درسی در این پژوهش، همان نوع سوم و الگوی مفهومی است و عناصر و مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی شامل اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی است. به عبارت دیگر در این الگو، مجموعه‌ای از عناصر در ارتباط با هم در یک نظام ساختار مفهومی قرار می‌گیرند و کلی را تشکیل می‌دهند که راهنمای عمل قرار خواهد گرفت. با توجه به روش پژوهش، برای پاسخگویی به این پرسش اسناد تحولی (مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌ی درسی ملی) مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت و گزاره‌های مرتبط با سطح مطلوب عناصر برنامه‌های آموزشی دوره‌های ضمن خدمت از محتوای این متون (سند تحول بنیادین با کد ۱ و برنامه درسی ملی با کد ۲) استخراج گردید (جدول ۴-۱)؛ علاوه بر مطالعه اسنادی در این پژوهش از مصاحبه و مبانی نظری نیز بهره گرفته شد.

جدول شماره ۲- گزاره‌های مرتبط با سطح مطلوب عناصر دوره‌های ضمن خدمت معلمان:

ارزشیابی	راهنماهای- یادگیری-یادگیری	محتوا (ایده های کلیدی)	هدف (پایدها)	عناصر گزاره ها	صفحه	کد منبع	ردیف
			×	پاسخگویی به نیازهای معلمان در زمینه دانش علمی	۳۸۶	۱	۱
			×	رشد اخلاقی معلمان	۲۷۴ ۲۸۱،۳۱۰	۱	۲
			×	ایجاد توان تولید و کاربرد راهبردهای یاددهی - یادگیری متناسب با تجارب فردی، ارزش‌ها و باورهای دانش‌آموزان	۱۰۶	۲	۳
			×	ایجاد مهارت‌های شناختی (تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، تحلیل، قضاوت براساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت)	۶۴	۲	۴
			×	ایجاد توان تولید طرح‌ها و برنامه‌های تربیتی	۲۸۲	۱	۵
			×	ایجاد توانایی تولید محتوا	۲۸۲	۱	۶
			×	ایجاد توان مشارکت در تشکلهای و انجمن‌های علمی و حرفه‌ای	۲۸۲	۱	۷
			×	ایجاد توان درک درستی از شرایط دانش‌آموزان	۲۸۱	۱	۸
			×	ایجاد توان پاسخگویی به نیازها و شرایط جدید و آینده جامعه محلی، ملی و جهانی دانش‌آموزان و اتخاذ تصمیم مناسب در قبال آن	۲۸۴	۱	۹
			×	ایجاد توان درک و فهم اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی)	۳۰۳	۱	۱۰
			×	ایجاد توان تشخیص و بازشناسی ارزش‌ها	۳۵۱	۱	۱۱
			×	ایجاد توان پژوهش آموزشی و پرورشی	۱۰۳	۲	۱۲
			×	توان ایجاد انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان	۱۰۳	۲	۱۳
			×	کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه	۳۱۱، ۱۵۷	۱	۱۴
			×	کسب دانش زیباشناختی	۳۳۹، ۳۰۸	۱	۱۵
			×	درک و فهم مسائل اقتصادی	۳۰۹، ۱۵۷	۱	۱۶
			×	ایجاد التزام به اخلاق حرفه‌ای	۳۰۹	۱	۱۷
			×	ایجاد شناخت نسبت به الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی	۳۰۹	۱	۱۸

			×	ایجاد توان کارآفرینی در معلمان	۳۰۹	۱	۱۹
			×	ایجاد توان به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی	۳۱۱، ۱۵۷	۱	۲۰
			×	ایجاد توان مدارا و تحمل عقاید مختلف و خرده فرهنگ‌ها در سطح ملی و جهانی	۳۰۵	۱	۲۱
			×	ایجاد احساس مسئولیت در قبال حفظ زیست بوم شهری (آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عادت‌ها و گرایش‌ها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری)	۳۰۵	۱	۲۲
			×	ایجاد امید به آینده	۳۳۸	۱	۲۳
			×	رشد خود باوری، عزت نفس و اراده	۳۳۹	۱	۲۴
			×	توان به کارگیری فناوری‌های جدید آموزشی	۴۰۶، ۳۷۰	۱	۲۵
			×	آشنایی با مهارت‌های راه‌های مواجهه با خلأهای روحی و معنوی	۳- پیوست‌ها	۲	۲۶
			×	آشنایی با زبان بین الملل	۳۵	۲	۲۷
			×	ایجاد توان خود ارزیابی	۳۶۱	۱	۲۸
			×	آشنایی با انواع روش‌ها و راهبردهای فعال در فرآیند تدریس و یادگیری	۱۰۶	۲	۲۹
			×	کسب توان به کارگیری مفید ابزارهای کمک آموزشی در جریان تدریس	۳۹۷	۱	۳۰
			×	کسب توان تهیه برنامه درسی با محتوای الکترونیکی	۴۰۳	۱	۳۱
			×	طراحی محتوای آموزشی دوره‌ها بر اساس تعامل متقابل معلمان و مدرسان دوره و با مشارکت و همفکری معلمان.	۲۸۱	۱	۳۲
			×	بهره‌گیری از دانش معتبر و به روز در طراحی محتوای آموزشی	۱۰۵، ۶۲	۲	۳۳
			×	محتوای آموزشی باید زمینه ساز رشد مهارت‌های شناختی (تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، تحلیل، قضاوت)	۳۵۱	۱	۳۴
			×	محتوای آموزشی دوره‌ها باید منجر به پرورش تفکر انتقادی در معلمان شود.	۳۱۱	۱	۳۵
			×	در محتوای آموزشی، به منظور انتقال ارزش‌های اخلاقی از نظرات ارزشمند و مسائل اخلاقی مطرح شده توسط ادیبان و شعرای فارسی استفاده شود.	۳۰۵، ۳۰۰	۱	۳۶
			×	در محتوای آموزشی، موضوعاتی به منظور شناساندن طبیعت و احترام قائل شدن برای طبیعت گنجانده شود.	۳۰۵	۱	۳۷
			×	محتوای آموزشی، می‌بایست با تاکید بر موضوعات و مسائل زندگی روزمره مسئله محور بوده و مدرسان با به چالش کشیدن معلمان، آنها را به تحقیق و پژوهش به	۳۰۰	۱	۳۸

			منظور پاسخ به سؤالات و ادار نمایند.			
		×	حجم محتوای آموزشی ارائه شده در دوره‌ها باید متناسب با درک و نیاز معلمان باشد	۳۶۳	۱	۳۹
		×	با توجه به این‌که هر فردی سبک یادگیری متفاوتی دارد، محتوای آموزشی دوره‌ها می‌بایست با در نظر گرفتن سبک‌های مختلف یادگیری معلمان سازماندهی شود	۶۳	۲	۴۰
		×	محتوای آموزشی دوره‌ها باید معلمان را با ارزشیابی در خدمت یاددهی-یادگیری دانش آموزان در سه حیطه شناختی، نگرشی و مهارتی آشنا سازد.	۳۸۱	۱	۴۱
		×	محتوای آموزشی دوره‌ها، بر اساس رویکرد تلفیقی (ترکیبی از چند موضوع درسی) سازماندهی شده بود.	۳۷۶	۱	۴۲
		×	محتوای آموزشی دوره‌ها باید معلمان را با قابلیت‌ها و توانایی‌های خاص هر مرحله از رشد دانش آموزان آشنا سازد.	۶۳	۲	۴۳
		×	در طراحی محتوای آموزشی دوره‌ها، می‌بایست به تفاوت‌های فردی معلمان توجه گردد.	۳۱۰	۱	۴۴
		×	در طراحی محتوا آموزشی دوره‌ها، می‌بایست به علائق و انگیزه درونی معلمان توجه شود.	۳۸۲	۱	۴۵
		×	محتوای آموزشی دوره‌ها باید منجر به تقویت فرهنگ پژوهش محوری در معلمان شود.	۴۰۸	۱	۴۶
		×	محتوای آموزشی، باید زمینه بکار بستن آموخته‌ها و کسب تجارب عملی در موقعیت‌های واقعی را برای معلمان فراهم نماید	۳۹۰	۱	۴۷
		×	محتوای آموزشی دوره‌ها، باید فراهم کننده زمینه بروز خلاقیت در معلمان گردد.	۱۵۷ ، ۳۵۹ ، ۳۱۱	۱	۴۸
		×	یادگیری باید از طریق تعامل دو سویه معلمان و مدرسان با تاکید بر رویکرد تعاملی، نه سنتی و یک‌طرفه صورت گیرد	۲۸۲	۱	۴۹
		×	راهبردهای یاددهی- یادگیری باید زمینه ساز رشد مدرسان و معلمان گردد	۱۰۶	۲	۵۰
		×	جریان یاددهی-یادگیری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، باید زمینه ساز بروز روحیه خلاقیت و نوآوری در معلمان گردد.	۱۵۷ ، ۳۱۱ ، ۳۵۹ ،	۱	۵۱
		×	جریان یاددهی-یادگیری در دوره‌های آموزشی، باید زمینه‌ساز کسب مهارت‌های ارتباطی (از طریق فعالیت‌های مشارکتی و گروهی) در معلمان شود.	۱۰۵	۲	۵۲
		×	باید در جریان یادگیری، حقوق معلمان در عین مسئولیت پذیری آنها نسبت به تکالیف لحاظ گردد.	۲۸۳	۱	۵۳
		×	در جریان یادگیری، باید زمینه حرکت از الزام بیرونی به الزام شخصی فراهم گردد.	۳۰۱	۱	۵۴

	×		فعالیت‌های یادگیری باید به گونه‌ای باشد که رابطه مسئولیت و احترام متقابل بین مدرسان و معلمان برقرار گردد.	۲۹۷، ۲۸۳	۱	۵۵
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده در دوره - های ضمن خدمت، باید توسط نهادی ویژه مورد مراقبت و نظارت حقوقی قرار گیرد و مدرسان در قبال نتایج دوره‌ها پاسخگو باشند.	۲۸۳	۱	۵۶
	×		راهبردهای به کار گرفته شده در یاددهی - یادگیری، باید به گونه‌ای باشد که به آزادی و فرصت تصمیم‌گیری مربیان در تعامل با محیط یادگیری توجه شود.	۱۰۴	۲	۵۷
	×		در راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، باید تاکید متوازی بر استفاده از روش‌های مختلف تربیت اخلاقی و دینی گردد.	۳۰۲	۱	۵۸
	×		باید راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده در دوره‌ها، توان استدلال کردن نه تحمیل کردن نظرات را به معلمان آموزش دهد.	۳۰۱	۱	۵۹
	×		در جریان یادگیری باید فرصت‌هایی به منظور فراهم آوردن امکان کسب تجارب عملی مختلف، به منظور پرورش مهارت‌ها، باورها و گرایش‌هایی که زمینه ساز عمل و تداوم عمل فرد در آینده برای دستیابی به هویت یکپارچه است، لحاظ گردد.	۳۵۱	۱	۶۰
	×		مدرسان باید راهبردهای یاددهی - یادگیری را به کار برند که توان تحمل، گفتگو و سعه صدر در قبال نظرات و پیشنهادها را در معلمان تقویت نماید.	۶- پیوست ها	۲	۶۱
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری باید به گونه‌ای باشد که به ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به آفریده‌های خداوند اعم از انسان‌ها و طبیعت کمک نماید.	۳۰۶	۱	۶۲
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری باید، زمینه‌ساز پرورش تخیل و قوه خیال در معلمان باشد.	۳۰۸	۱	۶۳
	×		در انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری باید به جای تاکید بر برنامه‌های اجباری و از پیش تعیین شده، به نظرات خود معلمان و تفاوت‌های فردی آنها توجه گردد.	۳۰۱	۱	۶۴
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، باید به گونه‌ای باشد که به شکلی متعادل هم به تعلیم و هم به تزکیه پرداخته شود.	۳۰۱	۱	۶۵
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، باید زمینه‌ساز روحیه وطن دوستی و استقلال طلبی در معلمان باشد.	۳۳۹	۱	۶۶
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده باید، توان روبه رو شدن با نیازها و چالش‌های واقعی کلاس درس و	۳۹۰	۱	۶۷

			محیط آموزشی در حال و آینده را در معلمان ایجاد نماید.			
	×		راهبردهای یاددهی-یادگیری به کار گرفته شده باید، زمینه ساز رشد حرفه ای معلمان در پنج سطح دانش، گرایش، رفتار و صفات و هویت گردد.	۳۹۰	۱	۶۸
	×		راهبردهای یاددهی-یادگیری به کار گرفته شده در طول این دوره‌ها، بیاید منجر به رشد ظرفیت‌های حرفه‌ای معلمان گردد.	۳۹۰	۱	۶۹
	×		جریان یادگیری، باید مبتنی بر کسب تجارب عملی و مطالعه موردی در موقعیت‌های پیچیده واقعی باشد.	۳۹۰	۱	۷۰
	×		در راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، از مهارت‌های مرتبط با سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا بهره گیری شود	۳۱۲	۱	۷۱
	×		در جریان یادگیری، کنار فرصت یادگیری‌های مستقیم، فرصت یادگیری‌های غیرمستقیم، غیررسمی و غیرمشکل نیز فراهم گردد.	۲۸۸	۱	۷۲
			در جریان یادگیری، زمینه خود راهبری در یادگیری در معلمان فراهم شود.	۱۰۵	۲	۷۳
	×		در دوره‌های ضمن خدمت، از ارزشیابی فرایند محور بهره گرفته شود.	۳۹۲	۱	۷۴
	×		در انتخاب و به کارگیری راهبردهای یاددهی-یادگیری، به دیدگاه‌ها، تجارب فردی، ارزش‌ها و باورهای معلمان توجه شود.	۱۰۶	۲	۷۵
	×		در جریان یادگیری از تمرین‌ها و تکالیف تکمیلی، توسعه-ای و خلاق برای تقویت و تثبیت آموخته‌ها استفاده گردد.	۱۰۶	۲	۷۶
	×		راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، می-بایست به رشد تفکر معنوی در معلمان کمک نماید.	۱۰۶	۲	۷۷
	×		راهبردهای یاددهی- یادگیری باید زمینه رشد تفکر انتقادی را در معلمان فراهم نماید.	۱۰۶	۲	۷۸
	×		در دوره‌های ضمن خدمت، می‌بایست مواد آموزشی با سبک یادگیری معلمان هم‌خوانی داشته باشد.	۶۲	۲	۷۹
		×	در دوره‌های ضمن خدمت، می‌بایست مواد آموزشی با نیازهای مدرسان و معلمان تناسب داشته باشد.	۳۶۳	۱	۸۰
	×		در دوره‌های آموزشی می‌بایست محیط یادگیری، برانگیزاننده و جذاب باشد.	۱۰۶	۲	۸۱
	×		در دوره‌های ضمن خدمت باید محیط یادگیری منعطف، به تناسب هر موضوع تغییر پذیر، غنی و سازگار با نیازهای معلمان، در اختیار آنها قرار گیرد.	۱۰۴	۲	۸۲
	×		راهکارهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده باید منجر به بکارگیری روش‌های فعال، خلاق و منابع متعدد	۴۰۴	۱	۸۳

				یادگیری (تجربه مستقیم، مشاهده، تماس با طبیعت) گردد.			
	×			راهکارهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، باید زمینه استفاده از فضای مجازی را ممکن سازد.	۲۹۴	۱	۸۴
	×			راهکارهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، باید زمینه ساز کسب مهارت‌های اخلاقی و عملی در معلمان باشد.	۲۹۴	۱	۸۵
	×			در جریان یادگیری، باید زمینه کارورزی و کارآموزی معلمان فراهم گردد.	۳۵۹	۱	۸۶
	×			دوره‌های آموزشی، باید از استمرار و پیوستگی زمانی برخوردار باشد.	۳۸۴	۱	۸۷
×				در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، عملکرد معلمان به صورت مستمر، پویا و دوره‌ای باید مورد ارزیابی قرار گیرد.	۳۹۲	۱	۸۸
×				در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، مدرسان و معلمان باید هر دو در فرآیند ارزشیابی مشارکت داشته باشند.	۱۱۴	۲	۸۹
×				ارزشیابی‌های صورت گرفته در دوره‌های ضمن خدمت باید زمینه اصلاح برنامه‌های ضمن خدمت را فراهم نماید.	۱۱۱	۲	۹۰
×				ارزشیابی‌های انجام شده در دوره‌ها، باید به رشد حرفه‌ای معلمان کمک نماید.	۱۱۳	۲	۹۱
×				ارزشیابی‌های انجام شده در دوره‌های ضمن خدمت، باید توان خود ارزیابی را در فراگیران ایجاد نماید.	۱۱۳	۲	۹۲
×				ارزشیابی‌های انجام شده، باید در فضایی دور از اضطراب و استرس صورت گیرد.	۱۱۳	۲	۹۳
×				در ارزشیابی‌های ضمن خدمت، باید از روش‌های مختلف متناسب با اهداف استفاده گردد.	۱۱۴	۲	۹۴
×				ارزشیابی باید با استفاده از داده‌های کمی و کیفی یا ترکیبی از آنها انجام گردد.	۳۸۲	۱	۹۵
×				پیامدهای یادگیری معلمان باید مورد ارزیابی قرار گیرد.	۳۹۲	۱	۹۶
×				یافته‌های معلمان از دوره‌های ضمن خدمت، براساس اهداف هر دوره به‌وسیله معاون آموزشی و سرگروه‌های آموزشی باید نظارت شود.	۳۵۸، ۳۵۶	۱	۹۷
	×			تحقیق گروهی، باید جزئی از فرآیند یاددهی - یادگیری معلمان باشد.	۹۰، ۳۵	۲	۹۸
	×			در زمینه یاددهی - یادگیری، باید از مباحثه در میان گروه‌ها و بین گروه‌ها بهره‌گیری شود.	۹۳	۲	۹۹

داده های درج شده در جدول ۴- ۱ نشان می دهد از تحلیل محتوای کیفی متن مبانی نظری سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی ایران جمعاً ۹۹ گزاره که معرف سطح مطلوبیت عناصر موثر در آموزش های ضمن خدمت معلمان بودند، استخراج شد که از میان آنها ۳۲ گزاره سطح مطلوب اهداف، ۱۸ گزاره سطح مطلوب راهبردهای محتوایی، ۳۸ گزاره سطح مطلوب راهبردهای یاددهی- یادگیری، ۱۱ گزاره سطح مطلوب ارزشیابی را به تصویر می کشند.

جدول شماره ۳- برنامه پیشنهادی ضمن خدمت معلمان از دیدگاه صاحب نظران

مؤلفه	گویه ها
شناختی	پاسخگویی به نیازهای معلمان در زمینه دانش علمی
	ایجاد توانایی تولید محتوا
	ایجاد توان درک و فهم اجتماعی و مهارت های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی ،، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین المللی)
	کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه
	کسب دانش زیباشناختی
	درک و فهم مسائل اقتصادی
	ایجاد شناخت نسبت به الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی
	آشنایی با زبان بین الملل
	رشد اخلاقی معلمان
	توان درک درستی از شرایط دانش آموزان
عاطفی	توان تشخیص و بازشناسی ارزش ها
	التزام به اخلاق حرفه ای
	توان مدارا و تحمل عقاید مختلف و خرده فرهنگ ها در سطح ملی و جهانی
	احساس مسئولیت در قبال حفظ زیست بوم شهری (آگاهی از الگوهای صحیح تولید و مصرف و یادگیری عادت ها و گرایش ها در حفظ پاکیزگی و سلامت محیط شهری)
	رشد خود باوری، عزت نفس و اراده
	آشنایی با مهارت های راهکارهای مواجهه با خلأهای روحی و معنوی
مهارتی	توان تولید و کاربرد راهبردهای یاددهی -یادگیری متناسب با تجارب فردی، ارزش ها و باورهای دانش آموزان
	رشد مهارت های شناختی (تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، تحلیل، قضاوت براساس شواهد، تصمیم گیری، قضاوت)
	ایجاد توان تولید طرح ها و برنامه های تربیتی
	ایجاد توان مشارکت در تشکل ها و انجمن های علمی و حرفه ای
	ایجاد توان پاسخگویی به نیازها و شرایط جدید و آینده جامعه محلی، ملی و جهانی دانش آموزان و اتخاذ تصمیم مناسب در قبال آن
	ایجاد توان پژوهش آموزشی و پرورشی
	ایجاد توان کارآفرینی در معلمان
	ایجاد توان به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی
	توان به کارگیری فناوری های جدید آموزشی
	ایجاد توان خود ارزیابی
	کسب توان به کارگیری مفید ابزارهای کمک آموزشی در جریان تدریس
	کسب توان تهیه برنامه درسی با محتوای الکترونیکی
	ایجاد توان به کارگیری استراتژی های گوناگون گروه بندی دانش آموزان

محتوای آموزشی با همکاری و مشارکت شرکت کنندگان انتخاب می‌شود. روش تدریس به طور مشترک بین مدرس و شرکت کنندگان انتخاب می‌شود. از نظرات شرکت کنندگان در اجرای آموزش استفاده می‌شود. مشارکت در برنامه ریزی در این دوره به من کمک کرد تا خودم به طور مستقل به یادگیری بپردازم. نحوه برگزاری دوره با همکاری و برنامه ریزی بین شرکت کنندگان و مدرس انجام می‌شود. مدرس از راه‌های مختلف سعی در شناسایی نیازهای فراگیران داشت. مدرس سعی داشت با همکاری فراگیران نیازهای یادگیری را شناسایی کند. مدرس و شرکت کنندگان به گفتگو درباره نیازهای شغلی و راههای برطرف کردن آن از طریق دوره آموزشی پرداختند.

اهداف پایان دوره با همکاری و تعامل بین مدرس و شرکت کنندگان تنظیم می‌شود. هدف‌های دوره بگونه‌ای روشن و واضح بود که فعالیت‌های یادگیری برای رسیدن به آن قابل تشخیص بود. مدرس و شرکت کنندگان بر اساس نیازها و ضعف‌های که فراگیران در مهارت‌های شغلی داشتند به تنظیم اهداف دوره آموزشی پرداختند.

در اهداف دوره آموزشی برای نتایج پیش بینی نشده یادگیری در پایان دوره را نیز ارزش قائل شده بودند. کلاس‌های این دوره اهدافی که جهت شرکت در دوره داشتم را برطرف کرد. جهت ارائه مطالب مسائل مختلف مطرح می‌شود. از منابع یادگیری متعددی در کلاس‌های آموزشی استفاده شد. محتوای آموزشی با اهداف دوره هماهنگی داشت. امکانات و لوازم آموزشی جهت یادگیری بهتر و بیشتر فراهم بود. محتوا و روش‌های آموزشی دوره بر اساس علائق شرکت کنندگان انتخاب شده بود. محتوای آموزشی دوره از تنوع و جذابیت لازم برخوردار بود. محتوا، مواد، وسایل و روش‌ها و فنون تدریس با هم هماهنگی داشته اند. محتوای دوره باعث مشارکت و فعالیت شرکت کنندگان در کلاس آموزشی می‌شود. در تدریس محتوای دوره مطالب به‌طور متوالی و منطقی تکرار می‌شده است. محتوای آموزشی قابل اجرا و مفید بود.

تنوع روش‌های تدریس بکار گرفته شده به وسیله مدرس منجر به جذابیت کلاس می‌شود. مدرس از فعالیت‌های متنوع مانند، حل مسئله، مناظره، و بحث و تمرین استفاده می‌کرد. در طول آموزش مدرس از مثال‌های متعدد و جدیدی استفاده می‌کرد. ارتباط با همکاران از طریق این دوره آموزشی به من در افزایش مهارت‌ها و بهبود نگرش کمک کرد. هر جا که به بحث و گفتگو در کلاس نیاز بود به صورت گروهی با یکدیگر کار می‌کردیم. فعالیت‌های آموزشی دوره در رشد شخصی و شغلی شرکت کنندگان (اعتمادبنفس، ابتکار، کسب تجربه و آگاهی) مؤثر بوده است.

پس از مشخص شدن نقاط ضعف یادگیری در مرحله ارزشیابی تکوینی از آموزش‌های مجدد استفاده شد. در ارزشیابی که انجام شد مشکلات یادگیری هم به خوبی مشخص شد. مدرس در پایان هر جلسه نظرات شرکت کنندگان را درباره کیفیت و کمیت کلاس جویا می‌شود. در پایان کلاس مدرس از شرکت کنندگان سوالاتی مرتبط با مطالبی که در همان جلسه می‌پرسید. در پایان دوره خودمان نیز به ارزیابی عملکرد و یادگیری مان در این دوره پرداختیم. در پایان دوره مدرس از شرکت کنندگان درباره عملکردش نظرخواهی کرد. آزمون‌های ارزشیابی متناسب با محتوای ارائه شده در کلاس بوده است. دسترسی محتوا و روش‌های آموزشی دوره بر اساس علائق شرکت کنندگان انتخاب شده بود.

محتوا

محتوای آموزشی دوره از تنوع و جذابیت لازم برخوردار بود. محتوا، مواد، وسایل و روش‌ها و فنون تدریس با هم هماهنگی داشته‌اند. محتوای دوره باعث مشارکت و فعالیت شرکت کنندگان در کلاس آموزشی می‌شد. در تدریس محتوای دوره مطالب به طور متوالی و منطقی تکرار می‌شده است. برای شرکت در دوره ی آموزشی آمادگی لازم را داشتیم. قبل از شروع آموزش از هدف و نوع محتوای دوره آگاهی داشتیم. آگاه بودن از اهداف دوره به من در یادگیری کمک کرد. با علاقه و رغبت در این دوره شرکت کردم. با همکاری که در این دوره حضور داشتند ارتباط و تعامل مناسبی داشتیم. جو کلاسی بسیار گرم و صمیمی بود. در کلاس احساس آرامش و امنیت می‌کردم. رابطه ی بین مدرس و شرکت کنندگان صمیمی و همراه با احترام بود. محتوای آموزشی با همکاری و مشارکت شرکت کنندگان انتخاب می‌شد. روش تدریس به طور مشترک بین مدرس و شرکت کنندگان انتخاب می‌شد. از نظرات شرکت کنندگان در اجرای آموزش استفاده می‌شد. مشارکت در برنامه ریزی در این دوره به من کمک کرد تا خودم به طور مستقل به یادگیری بپردازم. نحوه برگزاری دوره با همکاری و برنامه ریزی بین شرکت کنندگان و مدرس انجام می‌شد. مدرس از راه‌های مختلف سعی در شناسایی نیازهای فراگیران داشت. مدرس سعی داشت با همکاری فراگیران نیازهای یادگیری را شناسایی کند. مدرس و شرکت کنندگان به گفتگو درباره نیازهای شغلی و راه‌های برطرف کردن آن از طریق دوره‌ی آموزشی پرداختند. شرکت در این دوره آموزشی به من در حل مشکلات شخصی و فوری کمک کرد. محتوای آموزشی دوره‌ها، بر اساس تعامل متقابل معلمان و مدرسان دوره و با مشارکت و همفکری معلمان طراحی شوند. محتوای آموزشی دوره‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که زمینه ساز رشد مهارت‌های شناختی (تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، تحلیل، قضاوت) مورد نیاز معلمان باشند. محتوای آموزشی دوره‌ها، به پرورش تفکر انتقادی در معلمان منجر شوند. در محتوای آموزشی، به منظور انتقال ارزش‌های اخلاقی از نظرات ارزشمند و مسائل اخلاقی مطرح شده به وسیله ادیبان و شعرای فارسی استفاده شود. در محتوای آموزشی، به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی توجه و در مورد اندیشمندان بزرگ مسلمان با معلمان صحبت شود. در محتوای آموزشی، موضوعاتی به منظور شناساندن طبیعت و احترام قائل شدن برای طبیعت گنجانیده شوند و معلمان در این زمینه به باور لازم رسیده باشند. محتوای آموزشی، با تاکید بر موضوعات و مسائل زندگی روزمره مسئله محور باشد و مدرسان با به چالش کشیدن معلمان، آنها را به تحقیق و پژوهش برای پاسخ به سؤالات وادار نمایند. حجم محتوای آموزشی ارائه شده در دوره ها، به تناسب درک و نیاز معلمان باشد. با توجه به این که هر فردی سبک یادگیری متفاوتی دارد، محتوای آموزشی دوره‌ها با در نظر گرفتن سبک‌های مختلف یادگیری معلمان سازماندهی شده باشند. محتوای آموزشی دوره‌ها، معلمان را با ارزشیابی در خدمت یاددهی-یادگیری دانش آموزان در سه حیطه

<p>شناختی، نگرشی و مهارتی آشنا سازند.</p> <p>محتوای آموزشی دوره‌ها، بر اساس رویکرد تلفیقی (ترکیبی از چند موضوع درسی) سازماندهی شده باشند.</p> <p>محتوای آموزشی دوره‌ها، معلمان را با قابلیت‌ها و توانایی‌های خاص هر مرحله از رشد دانش‌آموزان آشنا سازند.</p> <p>در طراحی محتوای آموزشی دوره‌ها، به تفاوت‌های فردی معلمان توجه شود.</p> <p>در طراحی محتوای آموزشی دوره‌ها، به علائق و انگیزه درونی معلمان توجه شود.</p> <p>محتوای آموزشی دوره‌ها، منجر به تقویت فرهنگ پژوهش محوری در معلمان شوند.</p> <p>محتوای آموزشی، زمینه بکار بستن آموخته‌ها و کسب تجارب عملی در موقعیت‌های واقعی را برای معلمان فراهم سازد.</p> <p>محتوای آموزشی دوره‌ها، فراهم کننده زمینه بروز خلاقیت در معلمان باشند.</p>	
<p>یادگیری از طریق تعامل دو سویه معلمان و مدرسان با تاکید بر رویکرد تعاملی، نه سنتی و یک‌طرفه صورت گیرد.</p> <p>در جریان یادگیری، حقوق معلمان در عین مسئولیت پذیری آنها نسبت به تکالیف لحاظ شود.</p> <p>در جریان یادگیری، زمینه حرکت از الزام بیرونی به الزام شخصی فراهم شود.</p> <p>در جریان یادگیری فرصت‌هایی به منظور فراهم آوردن امکان کسب تجارب عملی مختلف، برای پرورش مهارت‌ها، باورها و گرایش‌هایی که زمینه ساز عمل و تداوم عمل فرد در آینده برای دستیابی به هویت یکپارچه است، لحاظ شده باشند.</p> <p>جریان یادگیری، مبتنی بر کسب تجارب عملی و مطالعه موردی در موقعیت‌های پیچیده واقعی باشد.</p> <p>در جریان یادگیری کنار فرصت یادگیری‌های مستقیم، فرصت یادگیری‌های غیرمستقیم، غیر رسمی و غیر متشکل نیز فراهم شود.</p> <p>در جریان یادگیری، زمینه ی خود راهبری در یادگیری در معلمان فراهم شود.</p> <p>در جریان یادگیری از تمرین‌ها و تکالیف تکمیلی، توسعه‌ای و خلاق برای تقویت و تثبیت آموخته‌ها استفاده شود.</p> <p>در جریان یادگیری، زمینه ی کارورزی و کارآموزی معلمان فراهم شود.</p>	<p>فعالیت‌های یادگیری</p>
<p>راهبردهای یاددهی- یادگیری، زمینه ساز رشد مدرسان و معلمان باشند.</p> <p>جریان یاددهی- یادگیری در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، زمینه ساز بروز روحیه ی خلاقیت و نوآوری در معلمان باشند.</p> <p>راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده در دوره‌های ضمن خدمت، توسط نهادی ویژه مورد مراقبت و نظارت حقوقی قرار گیرند و مدرسان درقبال نتایج دوره‌ها پاسخگو باشند.</p> <p>راهبردهای به کار گرفته شده در یاددهی- یادگیری، به گونه‌ای باشند که به آزادی و فرصت تصمیم‌گیری مربیان در تعامل با محیط یادگیری توجه شود.</p> <p>در راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، تاکید متوازی بر استفاده از روش‌های مختلف تربیت اخلاقی و دینی شود.</p> <p>راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده در دوره‌ها، توان استدلال کردن نه تحمیل کردن نظرات را به معلمان آموزش دهند.</p> <p>مدرسان راهبردهای یاددهی- یادگیری را به کار ببرند که توان تحمل، گفتگو و سعه صدر در قبال نظرات و پیشنهادها را در معلمان تقویت نماید.</p> <p>راهبردهای یاددهی- یادگیری انتخاب شده به گونه‌ای باشند که به ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت پذیری نسبت به آفریده‌های خداوند اعم از انسان‌ها و طبیعت کمک نماید.</p> <p>راهبردهای یاددهی- یادگیری، زمینه ساز پرورش تخیل و قوه خیال در معلمان باشند.</p>	<p>راهبردهای یاددهی- یادگیری</p>

<p>در انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری به جای تاکید بر برنامه‌های اجباری و از پیش تعیین شده، به نظرات خود معلمان و تفاوت‌های فردی آنها توجه شود.</p> <p>راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، به گونه‌ای باشند که به شکلی متعادل هم به تعلیم و هم به تزکیه پرداخته شود.</p> <p>راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، زمینه ساز روحیه وطن دوستی و استقلال طلبی در معلمان شوند.</p> <p>راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، توان روبه رو شدن با نیازها و چالش‌های واقعی کلاس درس و محیط آموزشی در حال و آینده را در معلمان ایجاد نمایند.</p> <p>راهبردهای یاددهی-یادگیری به کار گرفته شده، زمینه ساز رشد حرفه ای معلمان در پنج سطح دانش، گرایش، رفتار و صفات و هویت باشند.</p> <p>راهبردهای یاددهی -یادگیری به کار گرفته شده در طول این دوره‌ها، منجر به رشد ظرفیت‌های حرفه‌ای معلمان گردند.</p> <p>در راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، از مهارت‌های مرتبط با سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا بهره گرفته شود.</p> <p>در انتخاب و به کارگیری راهبردهای یاددهی -یادگیری، به دیدگاه‌ها، تجارب فردی، ارزش‌ها و باورهای معلمان توجه شود.</p> <p>راهبردهای یاددهی - یادگیری به کار گرفته شده، به رشد تفکر معنوی در معلمان کمک نمایند.</p> <p>راهبردهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، زمینه رشد تفکر انتقادی را در معلمان فراهم سازند.</p> <p>راهکارهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، منجر به بکارگیری روش‌های فعال، خلاق و منابع متعدد یادگیری (تجربه مستقیم، مشاهده، تماس با طبیعت) شوند.</p> <p>راهکارهای یاددهی -یادگیری به کار گرفته شده، زمینه استفاده از فضای مجازی را ممکن سازند.</p> <p>راهکارهای یاددهی- یادگیری به کار گرفته شده، زمینه ساز کسب مهارت‌های اخلاقی و عملی در معلمان باشند.</p>	
<p>در دوره‌های ضمن خدمت از ارزشیابی فرایند محور بهره گرفته شود.</p> <p>در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، عملکرد معلمان به صورت مستمر، پویا و دوره‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد.</p> <p>در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، مدرسان و معلمان هر دو در فرآیند ارزشیابی مشارکت داشته باشند.</p> <p>ارزشیابی‌های صورت گرفته در دوره‌های ضمن خدمت، زمینه اصلاح برنامه‌های ضمن خدمت را فراهم سازند.</p> <p>ارزشیابی‌های انجام شده در دوره‌ها، به رشد حرفه‌ای معلمان کمک نمایند.</p> <p>ارزشیابی‌های انجام شده در دوره‌های ضمن خدمت، توان خود ارزیابی را در فراگیران ایجاد نمایند.</p> <p>ارزشیابی‌های انجام شده، در فضایی دور از اضطراب و استرس صورت گیرند.</p> <p>در ارزشیابی‌های ضمن خدمت، از روش‌های مختلف متناسب با اهداف استفاده شود.</p> <p>ارزشیابی با استفاده از داده‌های کمی و کیفی یا ترکیبی از آنها انجام شود.</p> <p>پیامدهای یادگیری معلمان مورد ارزیابی قرار گیرد.</p> <p>یافته‌های معلمان از دوره‌های ضمن خدمت، براساس اهداف هر دوره توسط معاون آموزشی و سرگروه‌های آموزشی مورد نظارت قرار گیرند.</p>	ارزشیابی

آندراگوژی و هیوتاگوژی شناخته می‌شوند. دانش، اعتقاد و باوری است که منجر به افزایش توان بالقوه پدیده‌ها برای اقدامات و تصمیمات اثربخش می‌شود که الزاماً موجب اثربخش شدن اقدامات و تصمیمات نمی‌شود و دانش در درون افراد نهفته است. مطابق این تعریف، دانش به اطلاعاتی گفته می‌شود که از طریق فرآیندهایی مثل ژرف اندیشی و تبادل نظر یا تعامل و یادگیری در ذهن افراد یا گروه‌ها پردازش شده است (علوی، ۲۰۰۱، نقل در زمانی، ۱۳۸۸). در اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین و راهنمای برنامه درسی ملی به مواردی چون ارتقای نیازهای معلمان در زمینه دانش علمی، رشد اخلاقی معلمان، به کارگیری خلاقیت در راهبردهای یاددهی - یادگیری متناسب با تجارب فردی، مورد توجه قرار دادن ارزش‌ها و باورها، ارتقای توان پژوهش آموزشی و پرورشی، به کارگیری مکانیزم‌هایی برای ارتقای انگیزه یادگیری در دانش آموزان، کسب دانش، کسب دانش زیباشناختی، ارتقاء سواد اقتصادی و تجاری و ... اشاره شده است.

ارتقای دانش معنوی و اخلاقی:

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ توجه به این اصول در یک نظام آموزشی

اطلاعات درج شده در جدول فوق حاصل تحلیل متن مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان است. در ادامه برای پاسخگویی به این پرسش پژوهشی به تجمیع اطلاعات به دست آمده از تحلیل اسنادی و متن مصاحبه‌های صورت گرفته و مبانی نظری پرداخته شده است.

اهداف برنامه درسی:

اهداف برنامه درسی منطبق بر رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان در سه سازه اصلی یا بعد اصلی (شناختی، نگرشی و مهارتی) تکیه دارد. در بعد شناختی می‌توان با اهدافی چون ارتقاء دانش معلمان در ابعاد ارتباطی، شناختی، فناوری، مدیریت و برنامه‌ریزی و رویه‌ای را مورد نظر قرار داد که با تأکید بر ایجاد ارتباط دوسویه بین معلمان و استادان دوره‌های ضمن خدمت ایجاد می‌شود. در زمینه نگرشی به دنبال تغییر نگرش معلمان در زمینه تدریس اثر بخش و افزایش کارایی معلمان در کلاس‌های درس است و در این زمینه احترام به نگرش معلمان در دوره‌های ضمن خدمت و درگیر کردن معلمان در فرآیند آموزش دوره‌های ضمن خدمت مدنظر است. در زمینه مهارتی ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان مورد نظر است.

بعد شناختی:

ارتقای دانش معلمان در ابعاد معنوی و اخلاقی، ارتباطی، فناوری، مدیریت و برنامه‌ریزی و رویه‌ای در الگوی پیشنهادی به عنوان اهداف مورنظر در رویکردهای آموزشی پداگوژی،

بسیاری از ابعاد زندگی بشر اثر گذاشته است. فناوری اطلاعات به کاربران کمک می‌کند تا سواد اطلاعاتی مورد نیاز برای زندگی و کار در یک محیط غنی اطلاعاتی را به طور مؤثر توسعه دهند. ظهور فناوری اطلاعات و نفوذ آن در زوایای مختلف زندگی بشری موجب تحول شگرفی در مناسبات حاکم بر جامعه بشری شده است که از آن به عنوان «انقلاب اطلاعات» یاد می‌شود. تأثیر مستقیم و غیرمستقیم فناوری اطلاعات در تمامی ساختارها و سطوح زندگی بشر به وضوح نمایان است و در پیچیده ترین فعالیت‌ها، موثرترین عامل در راه توسعه تکنولوژیک و به تبع آن توسعه اطلاعاتی بشر بوده است (محمدیان روشن و گودرزوند چگینی، ۱۳۹۰). در واقع می‌توان گفت که مدارس نیز از این اصل مستثنی نبوده‌اند و به سان سازمان‌های دیگر تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته‌اند. از این رو توجه به این نوع از دانش در دوره‌های ضمن خدمت معلمان مورد توجه قرار گرفته است و در الگوی پیشنهادی نیز بر این نکته تأکید شده است.

ارتقای دانش مدیریت و برنامه‌ریزی:

یکی از اهداف متصور در برنامه درسی دوره‌های ضمن خدمت معلمان در الگوی پیشنهادی ارتقای دانش مدیریت و برنامه‌ریزی در بین معلمان شرکت کننده در دوره‌های ضمن خدمت معلمان است. از این بین مولفه‌هایی چون رهبری و مدیریت کلاس، رهبری و مدیریت در مدرسه، مدیریت اولیا، مدیریت زمان، برنامه‌ریزی، آینده نگری، طراحی درس و سازماندهی می‌شود. هر معلمی در سیستم آموزشی باید توان رهبری را

اسلامی، یکی از ارکان اصلی برگزاری دوره‌های آموزشی معلمان است. رشد و تعالی عملی اعتقادات و باورهای دینی، محصول شناخت صحیح و آگاهانه از معارف و حقایق دینی است. هر چه انسان بتواند مطالعات دینی خود را بالا برده و با برهان و استدلال عقلی، اصول دین را برای خود اثبات نماید، به همان میزان احتمال انحراف او در عمل کاهش خواهد یافت. بنابراین ضروری است که انسان قبل از ورود به وادی عمل و طی مسیر، شناخت جامع و کاملی از راه داشته باشد تا موانع بر سر راه را به راحتی پشت سر گذاشته و به مقصود برسد.

ارتقای دانش ارتباطی:

در زمینه دانش ارتباطی معلمان می‌توان از مواردی چون شیوه‌های تعامل با دانش آموزان، تعامل با مدیر و کادر مدرسه، تعامل با اداره، روابط عمومی، تعامل با استادان دانشگاه، تعامل با گروه‌های آموزشی، تعامل با دبیران و مربیان، تعامل با جامعه، تعامل با اولیا و ارتباط با محیط اشاره کرد. دانش ارتباطی، نقش مهمی در زمینه موفقیت و اثربخشی معلمان دارد و می‌تواند در پیشبرد اهداف کلان تعلیم و تربیت نقش بسزایی را ایفا کند.

ارتقای دانش فناوری:

در زمینه دانش فناوری معلمان می‌توان از دانش کامپیوتر و اینترنت، سواد دیجیتالی و دانش نرم افزارها (محتوای الکترونیکی) نام برد. در این باره باید توجه داشت که فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ به سرعت جهان را در نوردیده و بر

اولویت برنامه‌های درسی دوره‌های ضمن خدمت است.

نگرشی:

گسترش باور نسبت به اهمیت یادگیری مبتنی بر نیاز یادگیرنده:

یادگیری در سیستم‌های آموزشی حاوی مفاهیمی دوگانه‌ای است که هر یک بر اساس موقعیت و شرایط حاکم به کار گرفته می‌شود. یادگیری ساختاری و بدون ساختاری، یادگیری فردی و گروهی، یادگیری حضوری و از دور، یادگیری خودراهبری و دگرراهبری، یادگیری سطحی و عمقی، آموزش سنتی و الکترونیکی، آموزش معلم محوری و یادگیرنده محوری از جمله مفاهیمی هستند که برای رسیدن به اثربخشی مناسب در حوزه تعلیم و تربیت معنا پیدا کردند. در این بین توجه به نیازهای یادگیرنده از جمله مفاهیمی است که در سال‌های اخیر در نظام‌های آموزشی مطرح شده است.

شناخت و باور نسبت به ارزش یادگیری فعال:

یادگیری فعال در دوره‌های ضمن خدمت معلمان اشاره به تولید مفهوم مشارکت دارد و بیشتر در رویکردهای آندراگوژی و هیوتاگوژی خود را نشان می‌دهد. در مقابل، یادگیری انفعالی که با رویکرد پداگوژی همخوانی بیشتری دارد. در این رویکرد معلمان در مقابل مفاهیم آماده و از پیش طرح شده‌ای است که انتظار می‌رود که آن‌ها را حفظ کنند. در یادگیری فعال موضوع مهم آموختن مطالب همراه با درک و فهم آن‌هاست این نوع آموختن، تنها از راه درگیر شدن مستقیم با مسئله و کسب تجربه‌های دست اول حاصل

داشته باشد و علاوه بر وظایفی چون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و کنترل نیز بداند، بنابراین از این دیدگاه ارتقای دانش در این زمینه یکی از اهداف شناختی مورد نظر در الگوی پیشنهادی است.

ارتقای دانش رویه‌ای:

معلمی شغلی است که مستلزم ارتقای دانش در حوزه‌های مختلف است. از این رو یکی از اهداف شناختی مورد نظر در الگوی پیشنهادی ارتقای دانش رویه‌ای معلمان است. مؤلفه‌های چون تدریس عملی، دانش روان‌شناسی، کار گروهی با دانش آموزان، استعداد هنری معلم، دانش تعمیم، دانش تمییز، دانش ترکیب، خلاقیت و نوآوری، دانش مشاوره و راهنمایی، دانش تخصصی علمی، روش‌های تدریس در این دسته قرار می‌گیرد. دانش حرفه‌ای شامل دانش محتوا، شناخت دانش آموز و آگاهی از تدریس و یادگیری است و عمل حرفه‌ای شامل طراحی یادگیری، ایجاد محیط یادگیری و ارزشیابی یادگیری است و تعهد حرفه‌ای؛ که شامل یادگیری حرفه‌ای، مشارکت، رهبری، ارزش‌ها، ارتباطات و اخلاقیات را شامل می‌شود (نصیری ولیک بنی و عبدالملکی، ۱۳۹۳). اهداف متصور در الگوی پیشنهادی برای جایگاه مطلوب در زمینه رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان، زمینه را برای گذر از روش‌های سنتی آموزشی به سمت روش‌های پویا و مبتنی بر نیازهای یادگیرنده فراهم می‌کند. برای تحقق اهداف تأکید بر خودتعیین‌گری و مشارکت فعال معلمان در

سه رویکرد پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی نگاهی متفاوت نسبت به اهداف یادگیری در دوره های ضمن خدمت معلمان دارند. با توجه به نتایج این پژوهش حرکت از سمت رویکرد پداگوژی به سمت رویکرد هیوتاگوژی، نشان از مشارکت بیشتر معلمان در تعیین اهداف آموزشی دوره ها دارد. در این زمینه برای نمونه، مصاحبه شونده ای با رتبه دانشیاری و سابقه بیش از ۱۰ سال تدریس در حوزه برنامه ریزی درسی دانشگاه بیان می کند:

"معلمان در دوره های ضمن خدمت رغبت چندانی برای یادگیری ندارند و به ندرت به دنبال مطالعه هستند. البته خود دوره های ضمن خدمت هم در این زمینه تاثیر گذار هستند و نبود محتوای مناسب دوره ها و برآورده نشدن نیازهای دانشی معلمان در این زمینه تاثیر گذار است. دخالت دادن معلمان در انتخاب اهداف دوره ها می تواند اثر بخشی دوره ها را افزایش دهد و..."

همچنین در این زمینه برای نمونه مصاحبه شونده ای با رتبه استادیاری در حوزه برنامه ریزی درسی دانشگاه بیان می کند:

"یکی از ابعاد مورد توجه در رشد حرفه ای معلمان باید اخلاق حرفه ای نشات گرفته از معنویت باشد. اخلاق حرفه ای، معلمی را به سان یک حرفه مقدس قرار می دهد و تلاش برای یادگیری دانش جدید را در بین معلمان افزایش می دهد و این مهم می تواند دوره های ضمن خدمت را پر بار سازد. در این دوره ها معلمان به عنوان یادگیرندگان حضور پیدا

می شود اما در یادگیری انفعالی تأکید بر خواندن مطالب و حفظ کردن آنهاست.

ایجاد نگرش و گرایش مثبت نسبت به مشارکت در یادگیری:

از بین روش های مختلف یادگیری موثرترین نوع یادگیری هنگامی اتفاق می افتد که یادگیرنده خودش دست به دریافت مفاهیم بزند و آنها را کشف کند. این شیوه با رویکرد هیوتاگوژی و آندراگوژی همسو است، زیرا که اگر برنامه های آموزشی به صورت ارائه مطلب باشد، فراگیران چیزهایی را به خاطر خواهند آورد که به آنها گفته شده و یادگیری سطحی ای اتفاق افتاده می افتد و زود فراموش می شوند و هم کاربرد آن در موقعیت های دیگر با مشکل مواجه است. رویکرد پداگوژی بیشتر بر انتقال اطلاعات و دانش به صورت یک طرفه تأکید دارد.

اهداف مهارتی:

در زمینه اهداف مهارتی در الگوی پیشنهادی مبتنی بر جایگاه مطلوب می توان به موارد زیر اشاره کرد:

آموزش تکنیک های مختلف تدریس و کلاس داری

آموزش روش های آموزش ترکیبی
رشد خودباوری و عزت نفس

رشد حساسیت نسبت به یادگیری مشارکتی و فعال

رشد مهارت های ارتباطی معلمان

رشد مهارت های مدیریتی و برنامه ریزی

رشد مهارت های فناوری و رویه ای

توسعه حساسیت نسبت به امور معنوی و اخلاقی

می‌کنند که میل به یادگیری و کسب دانش جدید دارند و ..."

در زمینه تعیین اهداف مطلوب برای دوره‌های ضمن خدمت معلمان بر اساس سه رویکرد مورد نظر، یکی دیگر از متخصصان حوزه برنامه ریزی درسی با سابقه چندین ساله در حوزه تعلیم و تربیت چنین اشاره می‌کند.

" مشارکت دادن یادگیرندگان در تعیین اهداف دوره می‌تواند میزان رسیدن به اهداف را عینی‌تر سازد. در این بین می‌توان از اهداف شناختی، نگارشی و مهارتی نام برد این اهداف با تقویت خود راهبردی در یادگیری می‌تواند اثرات بلند مدتی را بر روی یادگیرنده داشته باشد."

محتوا:

در برنامه‌های سنتی آموزش دوره‌های ضمن خدمت معلمان مبتنی بر رویکرد پداگوژی، محتوای آموزشی به متون درسی منحصر و محدود می‌شود و استادان دوره‌ها تمام هم و غم خود را بر آن می‌گذارند که آن مطالب را دقیقاً و مو به مو تدریس کنند، اما در برنامه درسی مبتنی بر رویکرد آندراگوژی و هیوتاگوژی با توجه به تغییراتی که در تلقی نسبت به محتوای آموزشی، نقش و اهمیت آن در فرآیند آموزش و یادگیری و نیز سطح دانش و مهارت‌های معلمان رخ داده، محتوای آموزشی تنها به متون مکتوب کتاب‌های درسی منحصر نمی‌شود. محتوا در الگوی پیشنهادی، با تأکید بر بحث‌های گروهی و مشارکت همه فراگیران تنظیم می‌شود و بر

اتفاقات واقعی در محیط شغلی معلمان تأکید دارد. در الگوی پیشنهادی، محتوایی ارزشمند است که با شرایط و موقعیت و یادگیرنده متناسب باشد. محتوای برنامه درسی منطبق با الگوی برنامه درسی پیشنهادی برای جایگاه مطلوب رویکردهای پداگوژی، هیوتاگوژی و آندراگوژی منطبق بر اصول زیر است:

- اصل توجه به ارزش‌های اسلامی، اخلاقی و اجتماعی جامعه
 - اصل مشارکت یادگیرنده در تهیه و تولید محتوا به همراه کارشناسان دوره
 - اصل توجه به تهیه محتوا بر اساس دانش، نیاز معلم، نیاز جامعه تعلیم و تربیت
 - اصل تعیین منابع و ابزار یادگیری بر اساس اخذ نظرات فراگیران
 - اصل تعیین محتوای دوره بر اساس مشکل یا مسئله موجود
 - اصل قرار گرفتن تجربیات زندگی و شغلی معلمان در طراحی محتوای آموزشی
 - اصل بهره‌مندی از منابع مختلف یادگیری
 - اصل تناسب محتوا با دانش فردی معلم و تجارب شغلی آنها
 - اصل توجه به تجارب شغلی معلمان در طراحی محتوا
- محتوای آموزشی تحت تاثیر فلسفه حاکم بر رویکردهای مختلف یادگیری است. در رویکرد یادگیری پداگوژی، یادگیرنده دخالتی در انتخاب محتوا ندارد، در حالی که در رویکرد یادگیری هیوتاگوژی یادگیرنده نقش مهمی در انتخاب

از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: بروز روحیه خلاقیت و نوآوری در معلمان، پاسخگو بودن مدرسان در قبال نتایج دوره‌ها، فرصت تصمیم‌گیری مربیان در تعامل با محیط یادگیری، آموزش توان استدلال کردن نه تحمیل کردن نظرات به معلمان، ایجاد توان تحمل، گفتگو و سعه صدر در قبال نظرات و پیشنهادها، ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به آفریده‌های خداوند اعم از انسان‌ها و طبیعت، زمینه ساز پرورش تخیل و قوه خیال، تأکید بر نظرات خود معلمان و تفاوت‌های فردی آن‌ها، پرداختن به شکلی متعادل هم به تعلیم و هم به تزکیه، ایجاد روحیه‌ی وطن دوستی و استقلال طلبی در معلمان، رشد ظرفیت‌های حرفه‌ای معلمان، بهره‌گیری از مهارت‌های مرتبط با سواد اطلاعاتی و ارتباطی، توجه به رشد تفکر معنوی در معلمان، فراهم آوردن زمینه‌ی رشد تفکر انتقادی در معلمان، به کارگیری روش‌های فعال، خالق و منابع متعدد یادگیری، فراهم سازی استفاده از فضای مجازی، فراهم کردن فرصت‌های کسب مهارت‌های اخلاقی و عملی هستند (فارسی علی‌آباد، ناطقی و سیفی، ۱۳۹۴). شیوه‌های یاددهی - یادگیری مبتنی بر ایجاد روحیه همکاری، مشارکت و فعالیت یادگیرندگان، استفاده از روش فعال به عنوان روشی موفق و کارآمد در فرآیند یاددهی - یادگیری ضروری است. اصول حاکم بر راهبردهای یادگیری - یاددهی در الگوی پیشنهادی عبارتند از:

- روش تدریس مبتنی بر همیاری و به کارگیری رویکردی تیمی

محتوای یادگیری دارد. برای نمونه مصاحبه شونده‌ای با سابقه بیش از ۱۵ سال تدریس در حوزه برنامه ریزی درسی دانشگاه بیان می‌کند:

" یکی از خلل‌های موجود در برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت معلمان جذاب نبودن محتوای آموزشی یا به عبارت دیگر مرتبط نبودن محتوای آموزشی با نیازهای حرفه‌ای معلمان است که باعث بی‌انگیزگی معلمان در یادگیری محتوای ارائه شده در دوره‌ها می‌شود و در صورت یادگیری هم با یادگیری سطحی روبرو می‌شویم."

همچنین در این خصوص یکی از اساتید دوره‌های ضمن خدمت معلمان بیان می‌کند:

" مکانیزم انتخاب محتوا برای دوره‌های آموزشی همواره با چالش‌هایی روبرو است و عمدتاً معلمان در این زمینه مشارکت داده نمی‌شوند و این دوره‌ها برای کسب امتیازات برگزار می‌شود و معلمان انگیزش کافی را برای شرکت مشارکتی در این دوره‌ها ندارند و منابع اطلاعاتی غنی در اختیار معلمان قرار داده نمی‌شود."

راهبردهای یاددهی - یادگیری:

توجه و تأکید بر رویکردهای یاددهی و یادگیری یک طرفه در دوره‌های آموزش ضمن خدمت یکی از ضعف‌های برگزاری این دوره‌ها به شمار می‌رود که تأثیر منفی بر خروجی این دوره‌ها دارد. در اسناد بالادستی تعلیم و تربیت، راهبردهای یاددهی - یادگیری زمینه ساز رشد مدرسان و معلمان در زمینه‌های مختلف می‌شود.

یادگیرندگان در فرآیند یادگیری تاکید می‌کند. تدریس مشارکتی را می‌توان یکی از نمونه‌های این تلاش یاد کرد. در این خصوص یکی از معلمان شرکت کننده در دوره‌های ضمن خدمت معلمان بیان می‌کند:

" استفاده صرف استاد دوره از روش سخنرانی و ارائه متون تخصصی از کتاب‌ها تاثیر چندانی بر ارتقاء و رشد حرفه‌ای معلمان ندارد و معلمان انتظار دارند تا در فرآیند یادگیری مشارکت داده شوند و مشکلات و دغدغه‌های خود در کلاس درس را مطرح سازند و برای حل این مشکلات به راه حل‌های منطقی برسند..."

ارزشیابی:

ارزشیابی در رویکرد پداگوژی و رویکردهای سنتی مبتنی بر اندازه‌گیری کمی و عمدتاً در پایان دوره از طرف استاد دوره انجام می‌شود و هدف عمده در این بین، اندازه‌گیری میزان به یاد سپردن مطالب ارائه شده در کلاس درس بود. با تغییر رویکردها و گذر به رویکردهای آندراگوژی و هیوتاگوژی تأکید بر ارزیابی چندمرحله‌ای و تکوینی و اهمیت یافتن ارزشیابی تشخیصی در اولویت قرار گرفت و خود ارزیابی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای سنجش توان یادگیرنده از جنبه‌های مختلف مطرح شد. خودارزیابی به معنای مراقبت و محاسبه نفس است. انسانی که در صدد اصلاح رفتار و رشد و تعالی خویش است، باید مراقب خود بوده و بر اعمال خویش اشراف کامل داشته باشد. بنابراین قرار دادن این نوع ارزشیابی در برنامه درسی جایگزین و پیشنهادی

- روش الگودهی
- جاری ساختن رویکرد انتقادی
- راهبردهای یادگیری فعال
- راهبردهای فراگیر محوری و فعالیت عملی
- روش مشارکت هدایت شده
- راهبردهای مسئله محور
- روش تدریس متنوع و فردی به عنوان راهبرد اصلی دوره
- یادگیری چگونه یادگیری
- فراگیرنده به عنوان خالق محیط‌های یادگیری
- در نظر گرفتن زمینه‌های یادگیری رسمی و غیر رسمی
- استادان به عنوان تسهیل کننده فرآیند یادگیری
- تعیین منابع یادگیری به صورت اشتراکی بین استاد و فراگیر
- اشتراک اطلاعات و دانش بین فراگیران و استادان
- قرار گرفتن فراگیران در مرکز یادگیری
- تأکید بر فرآیندها به جای محتوا
- انعطاف‌پذیر بودن زمان و مکان دوره و وابسته به نظر یادگیرندگان
- یادگیری محور بودن فرآیند آموزش
- کمک به توسعه توانایی‌ها، شایستگی‌ها و ظرفیت‌های فراگیرندگان
- انتخاب راهبردهای یادگیری اثربخش می‌تواند اهداف مندرج در دوره‌های آموزشی را محقق سازد. در این زمینه متخصصان بر لزوم مشارکت

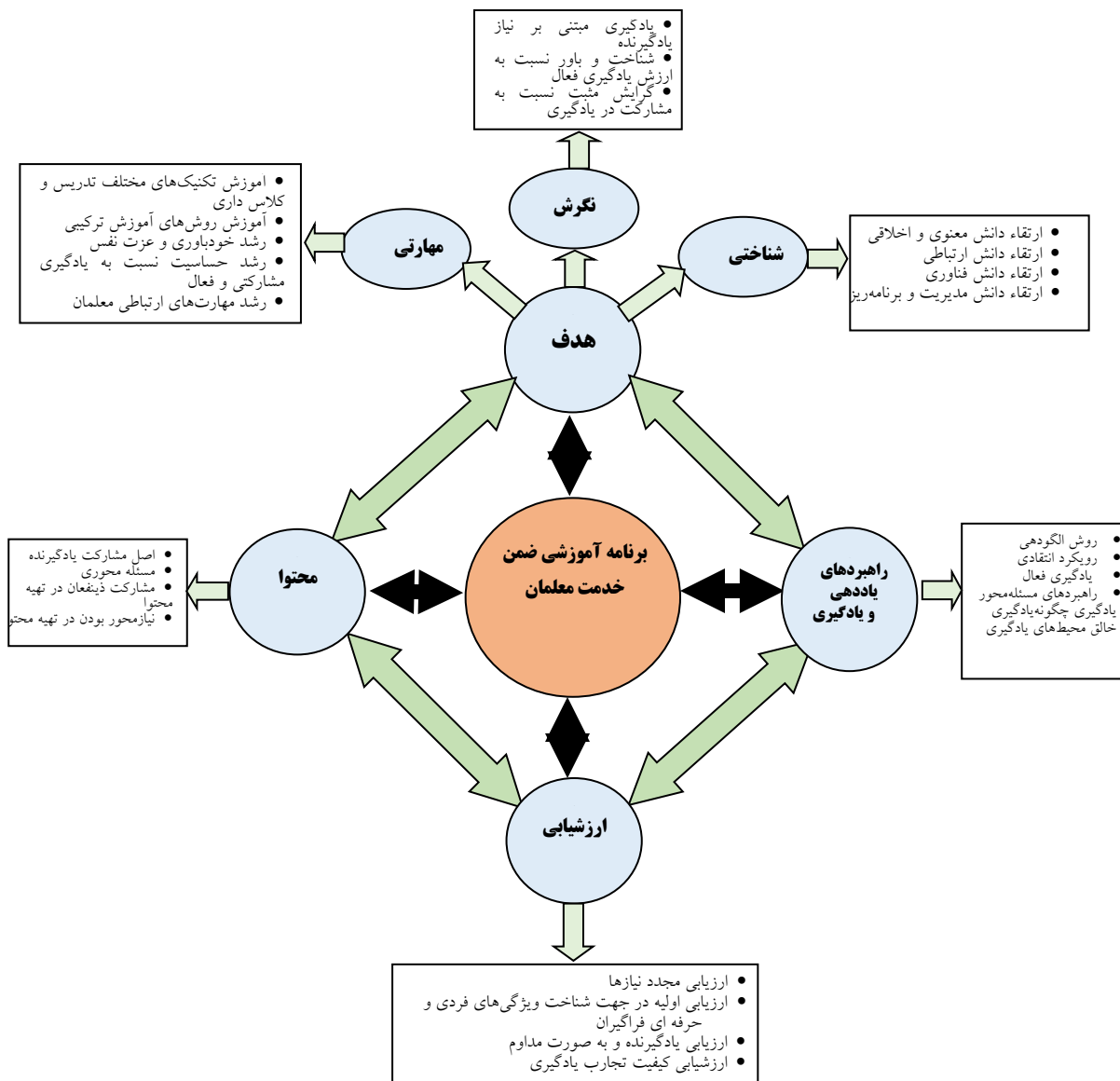
در این زمینه مصاحبه شونده‌ای با درجه دانشجویی و تجربه فراوان در زمینه برنامه‌ریزی درسی عنوان کرد است:

" ارزشیابی در دوره‌های ضمن خدمت معلمان باید به صورت مستمر باشد تا بتواند اثربخشی دوره را مورد اندازه‌گیری قرار دهد در حال حاضر تاکید بیشتر بر روی ارزشیابی پایانی است و تغییرات رفتار یادگیرندگان در طول دوره، نادیده گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد که تاکید بیشتر بر روی خود ارزشیابی یادگیرندگان می‌تواند معلمان را در معرض ارزشیابی دائمی قرار دهد به طوری که خود معلمان می‌دانند که با برگزاری دوره تا چه اندازه در زمینه حرفه‌ای رشد داشتند."

در شکل صفحه بعد مدل شماتیک دستیابی به جایگاه مطلوب در زمینه رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان آورده شده است.

در رسیدن به اهداف مورد نظر راه گشاست. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و راهنمای برنامه ملی درسی شاخص‌های ارزیابی دوره‌های آموزش ضمن خدمت را شامل ایجاد توانایی خودارزشیابی گروهی در معلمان، استمرار ارزیابی، شرکت همزمان مدرسان و معلمان در فرآیند ارزشیابی، فراهم نمودن زمینه اصلاح برنامه‌های ضمن خدمت، کمک به رشد حرفه‌ای معلمان، فراهم نمودن توان خود ارزیابی، انجام ارزیابی در فضای دور از اضطراب و استرس، استفاده از روش‌های مختلف متناسب با اهداف، ارزشیابی با استفاده از داده‌های کمی و کیفی یا ترکیبی، ارزیابی از عملکرد در طول دوره یا پایان دوره، مورد نظارت قرار دادن یافته‌های معلمان از دوره‌های ضمن خدمت بر اساس اهداف هر دوره عنوان کرده‌اند (همان). در زمینه ارزیابی در مدل مطلوب توجه به اصول زیر می‌تواند نتایج ارزشیابی را مؤثرتر سازد.

- انجام ارزشیابی مجدد نیازها برای یادگیری مداوم
- ارزشیابی اولیه در جهت شناخت ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای فراگیران
- انجام ارزشیابی جهت مشاهده تغییرات در رفتار یادگیرندگان
- انجام ارزشیابی تأثیرات آموزش در عملکردها و فرایندهای شغلی فرد
- خود ارزیابی توسط یادگیرنده و به صورت مداوم
- ارزشیابی کیفیت تجارب یادگیری



شکل ۱- عناصر برنامه درسی جایگاه مطلوب در زمینه رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان

سنجیده می‌شود (سیف، ۱۳۸۳). برای سنجش اعتبار الگوی پیشنهادی با استفاده از نظرات متخصصان به روش دلفی الگوی پیشنهادی اعتبار سنجی شد. بدین منظور الگوی پیشنهادی در اختیار نمونه ۱۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مطالعات برنامه درسی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد به اعتبار سنجی شاخص‌ها و عناصر الگوی برنامه درسی بپردازند و نظرات خود را

اعتبار یابی به عنوان شناخته شده ترین الگوی ارزیابی، مبنای مؤثری برای سنجش میزان توجه آموزش، به رعایت استانداردهای لازم را ایجاد نموده و با شفاف سازی امور، این اطمینان را می‌دهد که برنامه‌ها منطبق با معیارهای از پیش تعیین شده پیش می‌روند. ارزش و اثربخشی برنامه درسی از زوایای متعدد برنامه شامل اهداف، رئوس محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی

پیشنهادی ادامه یافت و در نهایت نظرات و دیدگاه‌های متخصصان مورد ارزیابی و تحلیل و جمع بندی دقیق قرار گرفت. با بررسی نقاط ضعف و قوت الگوی پیشنهادی و اعمال تغییرات مدنظر متخصصان این حوزه بر اساس نمرات مد نظر سه طیف نامعتبر (۰ تا ۲)، نسبتاً معتبر (۲/۱ تا ۴) و معتبر (۴/۱ تا ۶) مدنظر قرار گرفت و از تحلیل این نظرات نتایج زیر برای میزان اعتبار الگوی مورد نظر استخراج گردید.

جدول ۲- میانگین نمرات اعتبار سنجی الگو

میانگین	معیارها
۵/۲	سازگاری درونی
۴/۹	قابلیت اجرا
۵/۱	جامعیت
۴/۹۸	منطقی و قابل دفاع بودن
۴/۷	نوآوری و بدیع بودن
۵/۱	ارتباط و تعامل منطقی بین شاخص‌ها و عناصر
۴/۹۹۶	میانگین

رسیدن به الگوی مورد پذیرش و کارآمد در زمینه آموزش معلمان بود که این مهم باید نه به صورت آرمانی و نه به صورت دست و پا بسته مورد توجه قرار گیرد. الگوی پیشنهادی در این پژوهش تأکید بر روش‌های انعطاف پذیر همراه با روش‌های فعال یادگیری و مشارکت دادن معلمان در تعیین محتوا و منابع یادگیری و همچنین خلق محیط‌های یادگیرنده تأکید دارد. در محیط پیچیده بیرونی افراد مجهز به انواع مهارت‌های فکری، صاحبان اندیشه نو و تفکر واگرا می‌توانند نقش مؤثری را ایفا کنند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقاتی چون علی محمدی و همکاران (۱۳۹۸)، شفیعی (۱۳۹۷)، فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۵)،

اعلام فرمایند. پس از ارائه نظرات نمره‌ای ۰ تا ۶ بر اساس معیارهای تعیین شده، اعلام دارند. در مرحله اول نظرات متخصصان جمع آوری و جمع بندی شد و نظرات مبنی بر تأیید کلی الگو بود ولی تغییرات جزئی در مؤلفه‌های آن مورد توجه صاحب‌نظران بود که بعد از اعمال تغییرات مجدداً الگوی برای متخصصان ارسال شد تا اطلاعات و نظرات تکمیلی خود را مرقوم دارند و این کار تا سه مرتبه و رسیدن به اجماع نسبی در تأیید الگوی

با توجه به میانگین به دست آمده از نمره کل ۶ در شش شاخص اعتبار سنجی الگو؛ در مورد اعتبار الگو با سه طیف نامعتبر، نسبتاً معتبر و معتبر که قبلاً تشریح شد، میانگین نهایی حاصله حاکی از این است که دو بخش شاخص‌ها و عناصر الگو و نیز کل الگو از نظر ۶ معیار معتبر هستند و این که الگو در کل در طیف با توجه به میانگین ۴/۹۹ در طیف معتبر قرار دارد و از نظر صاحب‌نظران الگوی پیشنهادی معتبر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از طراحی الگوی برنامه درسی مطلوب منطبق رویکردهای آموزشی پداگوژی، آندراگوژی و هیوتاگوژی در آموزش ضمن خدمت معلمان

به عهده معلمان گذاشت ولی وقتی که معلمان شرکت کننده در دوره‌های آموزش ضمن خدمت دارای تخصص اندکی هستند از رویکرد پداگوژی می‌توان بهره برد ولی در این بین باید زمینه را برای استفاده از رویکردهای منعطف‌تری چون آندراگوژی فراهم آورده شود. مشارکت دادن فراگیران در انتخاب محتوا و زمان و مکان یادگیری رضایت خاطر معلمان را در دوره‌های آموزش ضمن خدمت می‌تواند به همراه داشته باشد. در این نوع از آموزش‌ها باید یادگیری گروهی را توسعه داده و از طریق ارزشیابی مداوم ضعف‌ها و نیازهای موجود شناسایی و پوشش داده شود (بویندرا و مورالز، ۲۰۰۳). با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش پیشنهاد می‌شود که در حوزه آموزش ضمن خدمت معلمان برنامه درسی مبتنی بر رویکرد آندراگوژی و هیوتاگوژی به معلمان در دوره‌های ضمن خدمت تدوین و اجرا شود. در خصوص محتوای آموزشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان به مهارت‌های خود تعیین گری در تألیف کتب درسی توجه شود و از الگوی ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای برای ارزیابی اثربخشی دوره‌های ضمن خدمت معلمان استفاده شود. در یک جمع بندی کلی از نتایج پژوهش می‌توان گفت که: برگزاری دوره‌های ضمن خدمت با تأکید بر نقش فعال معلمان در تدوین هدف، انتخاب محتوا و راهبردهای یاددهی و یادگیری می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت این دوره‌ها و درونی سازی آموزش‌ها داشته باشد.

کیسادا پالاریس (۲۰۱۲)، چاکو (۲۰۱۸) و فارسی علی آبادی (۱۳۹۶) همسو و هماهنگ است و بر نقش فعال معلم در برگزاری دوره‌های رشد حرفه‌ای یا آموزش ضمن خدمت معلمان تأکید دارند.

به نظر می‌رسد تمرکز بر رویکردهای ساختن-گرایی و سازنده گرایی^۱ می‌تواند در پرورش خلاقیت و نوآوری فراگیران نقش مهمی را بازی کند. تفکر خلاق لازمه زندگی و کار در دنیای امروزی و یکی از الزامات شکل‌گیری و توسعه یادگیری مداوم است (رضوی، ۱۳۹۵). در جامعه تعلیم و تربیت خوزستان که از اقوام و قومیت‌های مختلفی تشکیل شده است معلم باید به سلاح هوش بالای فرهنگی مجهز شود تا بتواند با دانش آموزانی از فرهنگ‌های مختلف رفتار در خور شایسته‌ای انجام دهد از این رو در برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت می‌باید به این اصول توجه شود. معلمان از طریق مهارت‌های یادگیری خود تعیین کنند، می‌توانند نیازها و اهداف خود را طراحی کنند، فعالیت‌های یادگیری خود را آماده و مستند سازند، دانش و مهارت لازم را برای تمرکز بر نیازها و اهداف خود کسب کنند، اهمیت دانش و مهارت را ارزیابی و مسیر فرآیند یادگیری را شناسایی کنند. از این رو خود تعیین‌گری در دوره‌های آموزشی مهم و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به سطح دانشی معلمان استفاده از رویکردهای سه گانه مورد بررسی به صورت توامان پیشنهاد می‌شود و بسته به شرایط و جو حاکم بر دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان باید معیارهای هر کدام از این رویکردها را به کار بست. زمانی که معلمان از دانش و تخصص بالایی در زمینه مسائل حرفه‌ای خود برخوردار هستند، می‌توان از رویکرد هیوتاگوژی به صورت کامل بهره برد و بیشتر مسئولیت‌های یادگیری را

^۱-constructivism

منابع و ماخذ:

۱. رضوی، سید عباس. (۱۳۹۵). سواد خلاقیت: لازمه یادگیری مادام‌العمر در قرن بیست و یکم، هشتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲. سلامت اهوازی، مریم، حسین پور، محمد، شاهی، سکینه. (۱۳۹۸). عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد و یادگیری سازمانی از دیدگاه کارکنان و نقش آنها در توسعه مدیریت منابع انسانی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۳(۴)، ۲۱-۳۵.
۳. سمیعی زفرقندی، مرتضی. (۱۳۹۰). روش‌های تکمیل و بهبود نظام ضمن خدمت معلمان. نوآوری‌های آموزشی، ۱۰(۳)، ۱۵۱-۱۷۸.
۴. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۳). روانشناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
۵. شریعتمداری، مهدی. (۱۳۸۳). ضرورت و نقش آموزش در بهسازی نیروی انسانی و توسعه در هزاره سوم، خرد، ش ۹، ۶۸-۷۰.
۶. شفیع، ناهید. (۱۳۹۷). برنامه درسی خودتعیین‌گری در نگاه رویکرد هیوتاگوژی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین، ایران.
۷. علی محمدی، غلامعلی، جباری، نگین، نیازآذری، کیومرث. (۱۳۹۸). توانمندسازی حرفه‌ای معلمان در چشم‌انداز آینده و ارائه مدل. نوآوری‌های آموزشی، ۱۸(۱)، ۷-۳۲.
۸. علی محمدی، غلامعلی، جباری، نگین، نیازآذری، کیومرث. (۱۳۹۸). توانمندسازی حرفه‌ای معلمان در چشم‌انداز آینده و ارائه مدل. نوآوری‌های آموزشی، ۱۸(۱)، ۷-۳۲.
۹. فارسی علی‌آباد نسرين، ناطقی فائزه، سیفی محمد. (۱۳۹۶). ارزیابی برنامه‌های درسی ضمن خدمت معلمان دوره ابتدایی در ایجاد صلاحیت‌های لازم در معلمان به منظور تحقق بخشیدن به هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی دوره. فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۳۹۶؛ ۱۴(۲): ۸۶-۶۵.
۱۰. فانی، اصغر. (۱۳۸۶). آگوی نظری زیر نظام تربیت معلم و تامین منابع انسانی نظام تربیت رسمی و عمومی، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
۱۱. فتحی‌آذر، اسکندر، ادیب، یوسف، گل‌پرور، فرشته. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی عوامل مؤثر و برانگیزاننده در کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان. فصلنامه علمی- پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۳(شماره ۱۲)، ۴۷-۵۶.
۱۲. فرزانه، محمد، پورکریمی، جواد، عزتی، میترا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه صلاحیت‌های حرفه‌ای با توانمندی روان‌شناختی دبیران دوره متوسطه شهرستان شیروان. فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۲(شماره ۸)، ۸(۱۳۹۴)، ۶۹-۸۸.
۱۳. کرمی، مرتضی؛ محمدرضا آهنچیان و محبوبه عباسی، ۱۳۹۲، گونه‌شناسی رویکرد آموزشی پداگوژی، آندراگوژی، هیوتاگوژی موجود و مطلوب در موسسات آموزش عالی

19. Ates, S. & Cataluglo, E. (2007). Teacher preparation and in-service needs associated with management of the total program of agricultural education in Georgia. *Research in Science & Technological Education*, 2, 167-178.
 20. Buendia, A., & Morales, C. (2003). A new educational paradigm for evolving development. *World Futures: The Journal of General Evolution*, 59(8), 561-568.
 21. Chacko, T. V. (2018). Emerging pedagogies for effective adult learning: From andragogy to heutagogy. *Archives of Medicine and Health Sciences*, 6(2), 278.
 22. Conco, Z. P. (2005). How effective is In-service Training for Teachers in Rural School Contexts. University of Pretoria, available at: <http://upetd.up.ac.za/thesis/submitted/etd-03152005>.
 23. Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2017). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
 24. Guskey, T. R. (2000), *Evaluating professional development: Thousand Oaks, CA: Corwin Press*.
 25. Hase, S., & Kenyon, C. (2007). Heutagogy: A child of complexity theory. *Complicity: An international journal of complexity and education*, 4(1).
 26. Havery, C., Townsend, L., Johnson, A., & Doab, A. (2019). Professional development for teachers of nursing students for whom English is an additional language: A reflection on practices. *Nurse education in practice*, 38, 52-58.
 27. Hennink, M. M., Kaiser, B. N., & Marconi, V. C. (2016). Code Saturation Versus Meaning Saturation: How Many Interviews Are Enough? *Qualitative Health Research*, 27(4), 591-608
 28. Mattsson, S., Karlsson, M., Fast-Berglund, A., & Hansson, I. (2014). Managing production complexity by empowering workers: six cases. *Procedia Cirp*, 17, 212-217.
 29. Patton, M. Q. (2008). *Utilization-focused evaluation*. Sage publications.
 30. Peters, O. (2001). *Learning and teaching in distance education: Pedagogical analyses and interpretations in an international perspective*. Psychology Press.
 31. Quesada-Pallares, C. (2012). Training transfer evaluation in the Public Administration of Catalonia: the MEVIT factors model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 1751-1755.
 32. Van den Akker, J. (2003). Curriculum perspectives: An introduction. In, J. van den Akker, W. Kuiper, & U. Hameyer (Eds.), *Curriculum landscapes and trends* (pp. 1-10). *Dordrecht: Kluwer*, 10, 978-94.
- آزاد در راستای بهبود اشتغال: دیدگاه مدیران اساتید و دانشجویان، همایش ملی کارآموزی؛ دریچه ای بسوی ارتباط موثر صنعت و دانشگاه، ساری.
۱۴. محمدیان روشن، صائمه و گودرزوند چگینی، مهرداد. (۱۳۹۰). فناوری اطلاعات و تاثیرات آن بر ساختار سازمان‌ها، اولین همایش منطقه‌ای رویکردهای نوین در مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات.
۱۵. معتمدی مجید، موحدی محمد مهدی، مرادی منا. (۱۳۹۲). ارزیابی اثربخشی دوره های آموزشی (مطالعه موردی: آموزش کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروز کوه)، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ۱۴، صص ۱۹-۲۹.
۱۶. مقدم، حسین، چرابین، مسلم، نوددهی، حسن، اکبری، احمد. (۱۳۹۸). شناسایی شاخص‌های بهره‌وری مدیران ادارات آموزش و پرورش استان خراسان رضوی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۳(۴)، ۱۴۷-۱۲۵.
۱۷. مهدوی، زهرا، فیاض، ایران‌دخت. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر اثربخشی دوره‌های آموزش ضمن خدمت جهت ارائه مدل ساختاری. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۰(۳۲)، ۱۱۵-۱۳۷.
۱۸. نصیری ولیک بنی فخرالسادات. (۱۳۹۳). رابطه بین حمایت سازمانی ادراک شده مدیریت شهری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شغلی کارکنان شهرداری همدان. فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری. ۱۳۹۳؛ ۲(۸): ۹۷-۱۰۸.